

سهه روابط محل در سیاست خارج ایران

کتاب در قالب یک مقدمه و چهار فصل به موضوع مورد پژوهش خود پرداخته و تلاش کرده است ابعاد مختلف این پژوهش را از انزوا بیرون کشیده و پرتوی بر آن بیفکند. نویسنده در مقدمه‌ی کتاب با نکته‌سنجی و دقت به جنبه‌های قابل تأمل این عرصه اشاره کرده و لزوم توجه به آن‌ها را برای سیر در وادی روابط خارجه ضروری برشمرده است. ایشان از دو موضوع به عنوان پل میان ما و زمان مورد مطالعه نام برده است؛ اسناد تولیدشده در زمان مورد پژوهش و فهم محتوای این اسناد بر اساس ادبیات و گفتمان زمان تولید. نویسنده در مقدمه کتاب خط مشی پژوهش خود را نشان داده و نکاتی ازین قبیل را برشمرده است:

- بذل توجه کافی به این نکته که نباید در شرح واژه‌ها و اصطلاحاتی چون روابط، استعمار، مردم، کاپیتولاسیون (Capitulation) و یا دیگر واژه‌هایی ازین قبیل تحت تأثیر محتوای آن‌ها در دوره‌ی پسامدرنی (Colonial Post) قرار گرفت؛

- به باور نویسنده بافت روابط خارجی ایران و بریتانیا در سطوح محلی و خارج از مرکز با توجه به اسناد کارگزاری‌ها قابل پی‌گیری است؛

- ارائه تعریف و چهارچوبی برای اسناد کارگزاری‌ها بدین ترتیب که اسناد کارگزاری‌های داخلی وزارت خارجه در واقع به نامه‌ها و مکاتباتی می‌پردازد که این مؤسسه با اداره‌های مختلف و کنسول‌گری‌ها و نمایندگان خارجی داشته است؛

- به زعم نویسنده کتاب، مردم از سطوح و گروه‌های مختلف اجتماعی به دلیل ارتباط با این کارگزاری‌ها و اسنادی که به دنبال این ارتباط تولید و ضبط شده است، حضور دارند و همین موضوع بعد متفاوتی را به این اسناد می‌دهد، زیرا به واسطه‌ی این امر، مردم به عرصه‌ی تاریخ وارد می‌شوند.

- نکته دیگر قابل بازیابی و بازسازی در اسناد کارگزاری‌ها این است که بیگانگان در ایران نه در تهران که در بسیاری دیگر از شهرهای ایران سکونت داشتند. در واقع پی‌گیری این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده‌ی سهم بسیاری از مناطق در سرنوشت کلی کشور باشد. بدین ترتیب مقدمه‌ی کتاب اگر چه سهم اندکی از کتاب را به خود اختصاص داده، اما روشنای مباحثی است که نویسنده تلاش خود را جهت به تصویر کشیدن آن‌ها در فصول مختلف کتاب متمرکز کرده است. شایان ذکر است که نویسنده در این اثر علاوه بر اسناد سازمان اسناد

• توران طولابی
دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی،
دانشگاه تهران



- نقش کارگزاری‌های داخلی وزارت امور خارجه در روابط ایران و بریتانیا (۱۹۲۸-۱۸۹۰ / ۱۳۴۶-۱۳۰۸)
- مرتضی نورایی
- تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۶، ۲۳۷ صفحه



مردم از سطوح و گروه‌های مختلف اجتماعی به دلیل ارتباط با کارگزاری‌ها در اسناد حضور دارند و همین موضوع بعد متفاوتی را به این اسناد می‌دهد، زیرا به واسطه‌ی این امر، مردم به عرصه‌ی تاریخ وارد می‌شوند

سیاست خارج ایران

(D.Wright)، گریوز (Greaves)، محمود محمود و محمد مجتهدی اشاره کرده و نوشته است که چگونه هر کدام از اینان از زاویه‌ای به موضوع نگریسته و به بررسی و کنکاش دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند. به زعم نوری، با توجه به این که سنت روابط‌نویسی از دریاچه زمان حال نگریسته می‌شود، این رویکرد ضمن دربرداشتن نکات سودمند، راه و روشی ارزش‌دورانه خواهد داشت. این موضوع باعث ایجاد مجموعه سؤالاتی در ذهن نویسنده شده و در نهایت چنین ادامه داده است که چنین تضادها و تعارض‌ها در فهم گذشته زمینه‌ی ظهور موج دیگری از روابط‌نویسی شد که آثاری چون «ما چگونه ما شدیم» و «ما چرا عقب ماندیم و غرب پیش رفت»، نمونه‌های بارز آن با نوعی ادبیات متفاوت هستند؛ ادبیاتی که سهم عوامل درون‌زا را در ناکامی ایرانیان مورد عنایت قرار داده است. به باور نویسنده برای فهم این روابط به شیوه‌ی درست، نگاه به مسائل «از بالا» ره به هیچ دهی نمی‌برد و می‌توان با نگاه «از پایین» و در نظر گرفتن عنصر مردم، این موضوع را به خوبی مورد کنکاش قرار داد. همین خود موجب می‌شود که سهم سایر اقشار در تولید اسناد در بازسازی روابط مورد عنایت قرار گیرد. بدین ترتیب نویسنده با این مقدمات به کارگزاری‌ها و نحوه‌ی شکل‌گیری آن‌ها پرداخته و در واقع این موضوع را آغاز کرده است. در ادامه نویسنده نوشته است که انعقاد قراردادهای سیاسی و نظامی و به دنبال آن روابط تجاری و اقتصادی زمینه‌ساز گسترش روابط در سطوح پایین شد. اصول ۱۱-۷ قرارداد ترکمانچای (۱۲۴۴ق/ ۱۸۲۸م) به روس‌ها آزادی‌های حقوقی و تجاری فراوانی را داد که سنگ‌بنای سایر قراردادهای بعدی ایران بر اساس شرط و اصل دول کامله‌الوداد قرار گرفت. ضرورت‌هایی که به دنبال این قراردادها و شرایط ناشی از آن ایجاد شد، زمینه‌ساز تأسیس دیوان محاکمات در تهران و شعبه‌های مختلف آن به نام کارگزاری‌ها در دیگر شهرها شد. کارگزاری‌ها به مرور دستخوش تغییر و تحولاتی شده و بیش از پیش شکل سازمان‌یافته‌ای به خود گرفتند. شایان ذکر است که حضور اتباع و جمعیت آنان و نیز حضور اقلیت‌ها در هر شهر می‌توانست درجه‌ی کنسول‌گری و به تبع کارگزاری‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. همین امر موجب شد تا کارگزاری‌ها در چهار رده درجه بندی شوند:

- ایالات خراسان، آذربایجان و بندر جنوب با مرکزیت بوشهر؛
- محمره، گیلان، کرمانشاهان، گنبد کاووس و استرآباد؛

ملی ایران، آرشیو آستان قدس، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، مرکز بوشهرشناسی، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، اسناد مرکز اسناد ملی انگلستان، Public Record Office (PRO) و نیز مجموعه‌ی Iran Political Diaries (IPD) را مورد عنایت قرار داده و در کتاب به آن‌ها ارجاع داده است. بدین ترتیب نویسنده ضمن درج مسایل مهم و اشاره به مهم‌ترین منابع مورد استفاده به اولین فصل کتاب خود، با عنوان «کلام نخست؛ رو به جهانی شدن» پرداخته است.

در فصل نخست، نویسنده ضمن اشاره به این که به طور سنتی جنبه‌های مختلف حضور بیگانگان از دوره‌ی فتحعلی‌شاه آغاز شده است، به نقش و حضور پررنگ بریتانیا اشاره کرده است. موقعیت جغرافیایی ایران در راستای دست‌یابی به هندوستان و نیز منافع تجاری این دولت از انگیزه‌های نزدیک شدن این قدرت به ایران برشمرده شده است. نورائی ضمن اشاره به سه مقطع روابط ایران و بریتانیا از آغاز دوره‌ی قاجار تا انحلال دیوان محاکمات وزارت امور خارجه (۱۳۴۶ق/ ۱۹۲۷م)، به نقش سیاست روس‌ها در تغییر روند سیاست گذاری انگلیسی‌ها تأکید کرده است. این در حالی است که بیگانگان و یا به عبارتی کارگزاران استعمار به طور کامل بی توجه به خواسته‌های ملل و دول زیر استعمار نبودند. ذکر این نکته ضروری است که لزوم دستیابی به مواد اولیه ارزان و نیز بازار مصرف برای کالاهای تولیدی، انگلیس را ناگزیر از نوعی ارتباط با نظام اداری و مردم می‌کرد. همین انگیزه‌ها موجب شد تا بریتانیا در حداقل ۳۵ شهر بزرگ و کوچک ایران اتباع فعال داشته باشد. طرفه این که طبقه‌بندی این روابط به سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی، نشان می‌دهد که چگونه روابط فرهنگی به عنوان مؤثرترین نوع روابط در میان ملل دارای عمق قابل توجهی در این روابط بوده است. نویسنده ضمن برشمردن برخی وجوه افتراق روابط فرهنگی با دیگر روابط به این نکته اشاره کرده است که همین خود زمینه‌ساز آشنایی و تعامل بیشتر ایرانیان با اتباع بریتانیا شد. نورائی در ادامه اثر خود و در ذیل عنوان سنت‌های روابط‌نویسی به شکل‌گیری ادبیات وسیع «روابط‌نویسی» و آثار منتشرشده‌ی این وادی نگاهی انداخته و به ارائه و معرفی نوع نگاه این آثار به موضوع مورد بحث پرداخته است. در این قسمت از کتاب، نویسنده به آثار فیروز کاظم‌زاده، ام‌ای یپ (M.E Yapp)، چارلز عیسوی، دنیس رایت

سیاست انگلیس بیشتر

بر حول محور امنیت فعالیت‌های اقتصادی
و علایق سیاسی دور میزد تا چیزی که بتوان
آن را ویژگی فعالیت فرهنگی آنان دانست

سیاست خارج ایران

اشاهای اگرچه گذرا شد. برای نمونه درباره‌ی کارکرد کارگزاری‌ها در اطلاع‌رسانی به گزارش‌های مختلفی از تلاش‌های مرکزگرای چون شیخ خزعل اشاره کرده و به درستی خاطر نشان کرده است که عدم توانایی دولت مرکزی و ضعف روزافزون آن باعث شد که تلاش و گزارش‌های کارگزار محمره و ارسال اطلاعات مکرر از تحریکات عناصر بریتانیا و استقلال‌طلبی شیخ خزعل به بار ننشیند و وقعی به این تلاش‌ها گذاشته نشود. به باور نویسنده همین عدم سازمان‌دهی اطلاعات ارسالی، پراکندگی و نیز دلسردی این مقامات را موجب شد و به مرور حتی از حجم آن‌ها کاست.

در فصل سوم نویسنده با برگزیدن عنوان چالش‌های اتباع بریتانیا و ایران در کارگزاری‌ها، پریداست که به اختلافاتی پرداخته است که با حضور روبه رشد عناصر بریتانیا افزایش می‌یافت. نویسنده در ادامه و با برگزیدن برخی عناوین به نمونه‌هایی از این چالش‌ها پرداخته و آن‌ها را مورد کنکاش قرار داده است: روابط اجتماعی، مالیات‌ها، کالاهای تجاری، اداره‌های دولتی محلی، روحانیون، دعاوی، بدهکاری، اختلاف حساب و ورشکستگی، غش در معامله، مالکیت و مالیات از جمله‌ی نمونه‌هایی است که نویسنده با درج مطالبی درباره‌ی آن‌ها به موضوع چالش‌های اتباع بریتانیا و ایران پرداخته است.

فصل چهارم کتاب با عنوان «در جهان دیگران»، ضمن نگاهی به وضعیت ایران در آستانه‌ی قرن نوزدهم، به این موضوع اشاره کرده است که ایران بنابر مجموعه‌ای از دلایل، به عرصه‌ی توجه قدرت‌های جهانی تبدیل شد. به باور نویسنده برخورد جوامع صنعتی با جوامع منزوی ناگزیر موجب می‌شد که آن‌ها درصدد الگوپذیری از بیگانگان برآیند. در راستای این الگوپذیری اصلاحات از صدر و رأس هرم قدرت و ساختار نظام اداری سیاسی کشور آغاز شد. اعزام محصلان، تأسیس دارالفنون و اصلاحات امیرکبیر و نیز مواردی از قبیل انعقاد قراردادهای بسیار سنگین تلاش‌هایی بود که جهت ایجاد هماهنگی با الگوی «تمدن غرب» صورت گرفت. در این فصل نویسنده به «چرخش ذائقه‌ی» ایرانی به سوی بریتانیا پرداخته و به کنکاش جهت پیدا کردن پاسخی بر این مسأله پرداخته است که بریتانیا تا چه حد جهت «ترقی» امور ایران تلاش کرده است. به عبارت بهتر، پراکندگی حضور مقامات رسمی بریتانیا در شهرهای مختلف تا چه حد رشد و توسعه‌ی آگاهانه‌ی ایران را مدنظر و به دنبال داشته است. در راستای رهیایی به پاسخی

ولایات اصفهان، اردبیل، شیراز، ارومیه، کرمان، قزوین، اهواز، تربت حیدریه، بیرجند و بجنورد؛

شهرهایی چون نیشابور، سبزوار، لنگرود، لاهیجان، طالش، انزلی، دره جز، کلات، بندرگز، همدان، مناطق خوزستان و کردستان که دارای اتباع بیگانه اندک و یا تنها نمایندگی (agent) بودند، در رده‌ی چهارم این دسته بندی قرار داشتند.

در دهه‌ی آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، به دلیل تشدید رقابت‌های سیاسی و نیز رقابت‌های استعماری تعداد این نمایندگی‌ها در شهرهای مختلف افزایش یافت و در سال ۱۹۰۲م / ۱۳۲۰ ق تعداد آن‌ها تقریباً دو برابر و از ۱۹ به ۳۶ مؤسسه افزایش یافت.^۲ بعد از وقوع جنبش مشروطیت، وضعیت این کارگزاری‌ها نیز دچار برخی تغییر و تحولات شد. در واقع در این دوره نوعی نظارت حقوقی بر کار دیوان محاکمات صورت گرفت. علاوه بر این مهم، جریان جنبش مشروطیت به مردم آموخت که می‌توانند برخی از خواسته‌های خود را از طریق مجلس پی‌گیری کنند. مسأله لغو کاپیتولاسیون از جمله این خواسته‌ها بود که بعد از تأسیس مجلس مطرح شد. وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و فروپاشی امپراتوری عثمانی، انحلال دستگاه دیوان محاکمات و کارگزاری‌ها را به دنبال آورد. روسیه با امضای عهدنامه مودت مسکو در ۱۹۲۱ از همه‌ی امتیازات خود دست کشید. به دنبال برخی وقایع بین‌المللی و نیز داخلی بالاخره در سال ۱۳۰۶ ش کاپیتولاسیون و اندک زمانی بعد کارگزاری‌ها ملغی اعلام شد. بدین ترتیب عمر صدساله‌ی کاپیتولاسیون با سازماندهی هشتاد ساله‌ی کارگزاری‌ها به پایان رسید.

فصل دوم اثر، در ذیل عنوان کارکردهای ساختاری کارگزاری‌ها در روابط ایران و بریتانیا به ادامه‌ی کنکاش در مباحث فصل اول پرداخته است. به زعم نویسنده، هسته‌ی فعالیت‌های کارگزاری‌ها را از دو منظر می‌توان بازسازی و بررسی کرد: بررسی کارکردهای عمومی و اختصاصی در روابط ایران و بریتانیا. در فصل دوم نوری به کارکردهای عمومی کارگزاری‌ها از جمله اطلاع‌رسانی، تغییر دین و اقلیت‌های مذهبی، تابعیت و حمایت (شامل ایرانیان و غیرایرانیان) و امور گمرکی و مرزها پرداخته و برای هر کدام از آن‌ها با درج نمونه‌هایی تلاش کرده است تا کنکاش خود را بیشتر عمق داده و از منابع تاریخ‌نگاری بهره فراوان گرفته تا این تلاش را مستند کند؛ منابعی که در آغاز این سطور به آن‌ها



تأملات بسیار قابل تأمل باشد. لازم به ذکر است که نویسنده شماری از پیوست‌های مرتبط با موضوع، به‌عنوان نمونه فهرست کارگزاری‌های شهرهای مختلف ایران را در انتهای کتاب گنجانده است که می‌تواند اطلاعات مناسبی را در اختیار خواننده قرار دهد.

عرصه‌ی روابط خارجه عرصه‌ای است سخت قابل تأمل و کنکاش. این کتاب تلاش نموده است تا این عرصه را در یکی از زمینه‌های مهجور مورد مطالعه قرار داده و به پژوهش در آن بپردازد. بی‌شک این عرصه و نیز روابط ایران و بریتانیا از جمله مسائلی است که به مطالعاتی جدی با رویکردی منسجم سخت محتاج است. از جمله مسائلی که می‌تواند تحقیقات در این زمینه را دچار تحول کند و از پژوهش‌های کلیشه‌ای دور نگه دارد، عنایت و توجه به اسناد و مدارکی است که علاوه بر مراکز اسناد و پژوهشی ایران در بسیاری از کشورهای خارجی نگهداری می‌شود. بدون عنایت به این مدارک و اسناد، دامنه‌ی اطلاعات درباره‌ی روابط خارجی و نیز بسیاری از موضوعات تاریخ معاصر سخت تنگ است، به گونه‌ای که این تنگی دامنه به عدم پویایی ذهن محقق و به دنبال آن پژوهش منجر می‌شود. نویسنده کتاب، نوراتی - همان‌گونه که در آغاز ذکر شد - تلاش کرده است که ضمن عنایت به موضوعی بکر این اسناد و مدارک را از نظر دور ندارد و با توجه به آن‌ها تحقیق خود را پیش ببرد. اگر چه روابط ایران و بریتانیا همواره در عرصه‌ی روابط خارجی مورد عنایت بسیاری از پژوهشگران بوده است، اما سوگمندان باید گفت که به پاره‌ای دلایل این تلاش‌ها در برخی نمونه‌ها عقیم مانده و یا نوزاد متولد شده سخت بی‌جان بوده است. همین مسائل است که لزوم توجه بیشتر به منابع و مدارک را به صورت انسجام‌یافته متقن تر می‌کند. به نظر می‌رسد روابط ایران و بریتانیا با همه‌ی پژوهش‌هایی که در آن صورت گرفته است، هنوز دریایی است که شمار بسیاری از محققان را برای غوطه‌ور شدن به خود جذب می‌کند و برای این مهم باید ضمن استفاده درست از اسناد و مدارک، به موضوعاتی عنایت نشان داد که کمتر در حوزه‌ی توجه بوده‌اند. این مهم، یعنی توجه به موضوعات کمتر اندیشیده نیز از مطالبی است که نوراتی به خوبی و با بهره‌گیری از منابع ذکر شده به آن پرداخته و تلاش کرده است تا زوایای تاریک و مهجور موضوع را پرتوی بخشد. وجود این گونه پژوهش‌ها باعث می‌شد تا محققان و پژوهشگران با تلاش بیشتری به این عرصه‌ها توجه نشان دهند؛ عرصه‌هایی که تاریخ ایران به تأمل در آن‌ها سخت تشنه است. ضمن این که اگر تاریخ را نه علمی کهنه که دانشی پویا می‌دانیم باید در این زمینه‌ها که سخت به زمان حال مرتبط می‌شود، بیش از پیش توجه کرد.

پی‌نوشت:

- ۱ - نوراتی، مرتضی، نقش کارگزاری‌های داخلی وزارت امور خارجه در روابط ایران و بریتانیا ۱۹۲۸-۱۸۹۰/۱۳۴۶-۱۳۰۸، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۶، ص ۳.
- ۲ - همو، پیشین، ص ۲۹.

به این پرسش نویسنده به آراء کسانی چون وزیر مختار بریتانیا، هنری دروموند ولف (Henry Drummond Wolf)، گریویز (R.Greaves)، هنری ساویج لندور (A.Henry Savage Landor) پرداخته و متذکر شده است که علی‌رغم برخی اشاره‌های اینان، سیاست‌گذاری بریتانیا هیچ‌گاه به‌طور اساسی در فکر چاره‌جویی برای اصلاح جامعه‌ی ایرانی نبود. نویسنده در ذیل عنوان «بازسازی گفتمان موضوع» نیز به این نکته اشاره کرده است که «سیاست انگلیس بیشتر بر حول محور امنیت فعالیت‌های اقتصادی و علایق سیاسی دور میزد تا چیزی که بتوان آن را ویژگی فعالیت فرهنگی آنان دانست.» شایان ذکر است که وجود برخی عناصر فرهنگی تحت‌تأثیر بریتانیا را نیز نمی‌توان به عنوان برنامه‌ی خاص و عملی دولت بریتانیا دانست. به عنوان نمونه می‌توان از مدارس بیرجند و بوشهر یاد کرد که بسیاری فارغ‌التحصیلان آن در تجارت‌خانه‌های خارجه استخدام می‌شدند. نویسنده همچنین از «تبعه شدن» و «بست‌نشینی» به عنوان برخی از تأثیرات فرهنگی بریتانیا در ایران نام برده است. در قرن نوزدهم بست‌نشینی در سفارت‌خانه‌ها نیز تداول پیدا کرد. گسترش و شیوع گفتمان مشروطیت و اصلاحات از جمله دیگر مسائلی است که می‌توان در عرصه‌ی فرهنگ سیاسی از آن یاد کرد. افزایش حجم واردات پارچه‌های فاستونی و شیوع استفاده از چرخ خیاطی سینگر در شهرها، از دیگر تأثیرات حضور انگلیس در این زمینه است. لازم به ذکر است که زنان شیوه‌ی استفاده از آن‌ها و نیز خیاطی را از مدارس مسیونری (Church Missionary Society) می‌آموختند. استخر عمومی، پارک، سینما و فوتبال از دیگر عناصر فراجاری است که در ادامه‌ی بحث، نویسنده از آن‌ها به‌عنوان نمودار ذهنی ماندگار از دادوستدهای اتباع بریتانیا نام برده است.

الغای کاپیتولاسیون آخرین مبحثی است که نویسنده به آن عنایت نشان داده است و تلاش کرده است به تاریخچه‌ی شکل‌گیری و الغای آن بپردازد، زیرا در واقع تأسیس کارگزاری‌ها زیرمجموعه‌ای جهت عملیاتی کردن کاپیتولاسیون در ایران بود. کاپیتولاسیون در عصر امتیازات به ابزار بیگانگان جهت تسهیل و فشار سلطه تبدیل شده بود به گونه‌ای که بعد از انقلاب مشروطه الغای آن به‌عنوان یکی از خواست‌های پی‌گیری شد. دولت‌های مختلفی از جمله سپهدار، صمصام‌السلطنه، وثوق‌الدوله و یا سید ضیاء‌الدین طباطبایی جهت الغای آن تلاش کردند، اما هیچ کدام از این تلاش‌ها به نتیجه نرسید و ره به هیچ وادی نبرد. نقش روس‌ها بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷/۱۳۳۶ ق گامی جهت تسهیل الغای کاپیتولاسیون بود. الغای کلیه‌ی امتیازات گذشته از جمله حق کنسولی و عهدنامه مودت ایران و شوروی در این زمینه تأثیر به‌سزایی داشت. نویسنده هم‌چنین به برخی مشکلات بر سر راه الغای کاپیتولاسیون از جمله مسأله نظام حقوقی ایران اشاره کرده است. در راستای لزوم تغییر این نظام حقوقی، داور در سال ۱۳۰۵/۱۹۲۶ طرح انحلال عدلیه را به مجلس ششم داد. با آغاز به کار عدلیه جدید در ۱۳۰۶/۱۹۲۶ از نظر جهانی نیز شرایط برای الغای کاپیتولاسیون فراهم شد. در انتهای مباحث کتاب، نویسنده به برخی زمینه‌هایی اشاره کرده است که می‌تواند در آینده برای تحقیقات و